

مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران

رسول صادقی* ، محمد شکفته گوهری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

بیکاری بطور قابل توجهی فرایندهای جمعیتی نظیر ازدواج، طلاق، باروری، و مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف از این مقاله بررسی تجربه بیکاری و پیامدهای آن بر تأخیر در ازدواج مردان جوان شهر تهران با بکارگیری روش تحقیق ترکیبی (داده‌های کمی و کیفی) است. در این راستا، مقاله ابتدا با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های خرد سرشماری ۱۳۹۰ شهر تهران به آزمون تأثیر وضعیت اشتغال و بیکاری بر تأخیر ازدواج پرداخته، سپس با استفاده از روش تحقیق کیفی و مصاحبه عمیق با ۲۷ جوان مجرد بیکار به کندوکاو تجربه زیسته بیکاری جوانان و پیامدهای آن در حوزه تأخیر در

* دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق موسسه مطالعات جمعیتی کشور (نویسنده مسئول)

rassadeghi@ut.ac.ir

mohammad.gohari@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.

ازدواج پرداخته است. نتایج بخش کمی مطالعه نشان داد احتمال تجردماندگی افراد بیکار حدود هشت برابر بیشتر از افراد شاغل است. با کنترل اثر سایر متغیرهای مستقل اثرگذار، بیکاری همچنان تأثیری قوی بر افزایش احتمال تجردماندگی دارد. نتایج بخش کیفی مطالعه بیانگر پنج مقوله محوری نظیر هویت بخشی شغلی، تجمل گرایی/مادیگرایی، رهاشدگی، ناامنی شغلی، و عقلانیت در تصمیم‌گیری تأخیر ازدواج است. در نتیجه‌گیری از مقاله می‌توان گفت بیکاری و ناامنی شغلی، عدم اطمینان زیادی را نسبت به آینده برای جوانان رقم زده و تصمیم به ازدواج آنان را تا آینده‌ای نامعلوم به تأخیر می‌اندازد.

مفاهیم کلیدی: تورم جوانی جمعیت، بیکاری، ناامنی اقتصادی، رهاشدگی، تأخیر ازدواج.

مسأله پژوهش

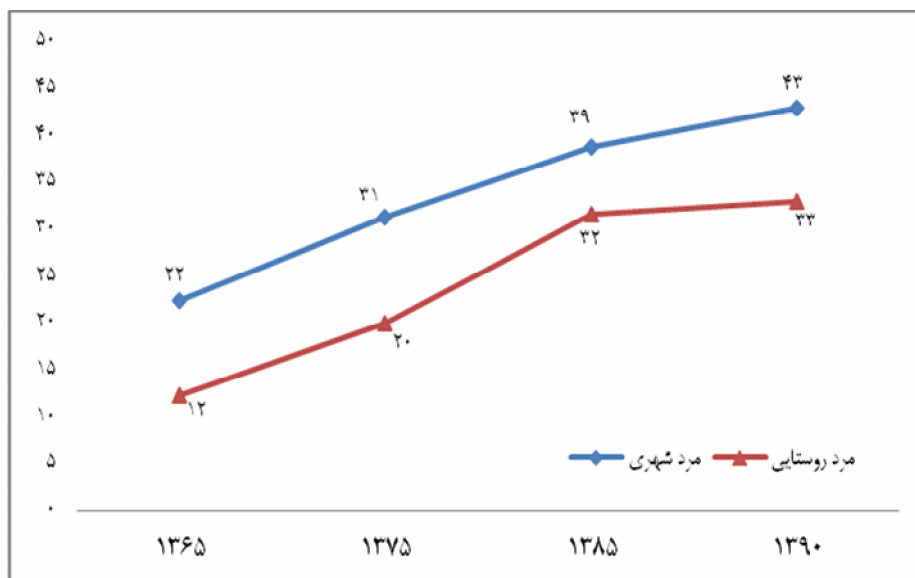
در طول نیم قرن اخیر جمعیت جوانان کشور روندی رو به رشد داشته است و امروزه ایران یکی از کشورهای با حجم و نسبت قابل توجه جمعیت جوان محسوب می‌شود. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ جمعیت جوانان کشور (جمعیت ۲۹-۱۵ ساله) تقریباً ۲۳ میلیون و ۶۹۴ هزار نفر می‌باشد که حدود ۳۲ درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شود. این میزان نشان از پدیده‌ی تورم جوانی^۱ جمعیت در ایران دارد. توجه به مسائل جوانان و فراهم آوری بستری جهت انتقال این حجم بزرگ از جمعیت جوان به مرحله‌ی بزرگسالی خود به یکی از مسائل مهم کشور تبدیل شده است. در این راستا توجه به اشتغال جوانان و ساماندهی فعالیت‌های شغلی آنها اهمیت شایانی دارد. بیکاری، سلامت روحی را تحت شعاع قرار می‌دهد و مانع از این می‌شود که جوانان مسئولیت‌هایی نظیر ازدواج و فرزندآوری را پذیرا باشند. بیکاری بطور قابل توجهی

1. Youth bulge

مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج ... ۱۴۳

فرایندهای جمعیتی نظیر ازدواج، طلاق، باروری، و مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان تأثیر بیکاری بر تأخیر ازدواج بویژه در جامعه ایران که اشتغال مردان پیش شرط کلیدی ازدواج محسوب می‌شود، بیشتر و محسوس‌تر است.

مطالعات مختلف (نظیر ترابی و عسکری ندوشن، ۱۳۹۱؛ صادقی و عباسی شوازی، ۱۳۹۴) نشان می‌دهند که در فاصله‌ی سال‌های ۹۰-۱۳۴۵ میانگین سن ازدواج مردان از ۲۴,۹ سال به ۲۶,۷ سال تغییر یافته است. همچنین با تأملی در نتایج مرتبط با تغییرات نسبت تجردماندگی مردان در بازه‌ی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ شاهد تغییرات قابل توجهی در این زمینه هستیم. در سالهای مذکور نسبت تجردماندگی مردان شهری تا ۳۰ سالگی تقریباً از ۲۲ درصد به ۴۳ درصد افزایش داشته و این نسبت برای مردان جوان روستایی از ۱۲ به ۳۳ درصد افزایش یافته است (نمودار ۱). در سال ۱۳۹۰، نسبت تجردماندگی مردان شهرستان تهران تا ۳۰ سالگی ۵۷ درصد بوده است.



نمودار ۱- تغییرات نسبت تجردماندگی مردان تا ۳۰ سالگی در ایران (٪)، ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی ۹۰-۱۳۸۵.

در جامعه ما، اشتغال به عنوان مهم‌ترین پیش شرط ازدواج محسوب می‌شود. شرایط برای ازدواج‌های بیشتر وقتی فراهم می‌شود که تأخیر در ازدواج مردان ناشی از فشارهای مالی و اقتصادی نباشد. ثبات اقتصادی و درآمدی در میان مردان مجرد جوان عامل بسیار مهمی در افزایش فراوانی ازدواج خواهد بود (کوششی، ۱۳۸۳). نتایج برخی از مطالعات نظیر صادقی و همکاران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که ۹۰ درصد جوانان دختر و پسر مجرد معتقدند تا زمانی که پسران شغل دائم نداشته و امکانات مالی مناسب ندارند نباید ازدواج کنند. این موضوع نشان می‌دهد که در جامعه ایرانی اشتغال پیش شرطی بسیار مهم برای ازدواج است. این در حالی است همانطور که صالحی اصفهانی و ایگل^۱ (۲۰۰۷) نشان دادند جوانان ایرانی برای ورود به بازار کار با مشکلات متعددی روبرو هستند و به طور متوسط هر جوان پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه حدود ۳ سال طول می‌کشد تا شغلی بدست آورد. همچنین نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال‌های اخیر (۹۳-۱۳۸۹) نرخ بالای بیکاری در میان جوانان را نشان می‌دهد. در این سال‌ها نرخ بیکاری در میان جوانان ۲۹-۱۵ ساله تقریباً بالای ۲۰ درصد و حتی گاهی ۲۵ درصد بوده است.

نرخ بالای بیکاری در میان جوانان نیز به تأخیر در ازدواج منجر خواهد شد. ایگل و صالحی اصفهانی (۲۰۱۰) نشان دادند که ۸۵ درصد از مردان ۲۹-۱۵ ساله در هنگام ازدواج دارای شغل بوده‌اند و تنها ۱۵ درصد از مردان هستند که در زمان ازدواج در حال تحصیل بوده و یا پس از متأهل شدن شاغل شده‌اند. از اینرو، شغل عامل بسیار مهمی است که زمینه ازدواج جوانان فراهم می‌کند. بر این اساس، در این مطالعه با به‌کارگیری روش تحقیق ترکیبی^۲ به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که مکانیزم تأثیرگذاری بیکاری بر تأخیر ازدواج چگونه است؟ و همچنین فهم و تجارب مردان جوان تهرانی از شرایط بیکاری و پیامدهای آن بر تأخیر ازدواج چگونه است؟

1. Egel
2. Mixed Methods Research

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه اشتغال و بیکاری را می‌توان در چند دسته کلی تقسیم نمود. برخی از پژوهش‌ها (کوششی ۱۳۷۱، امیرخسروی ۱۳۸۴) به بررسی ارتباط میان تغییرات جمعیتی و وضعیت اشتغال پرداخته‌اند. آنان تغییرات جمعیتی را عامل عدم توازن در عرضه و تقاضای نیروی کار می‌دانند. گروهی دیگر از محققین (ابراهیمی مقدم ۱۳۸۳، سوری ۱۳۸۴، شفیع ۱۳۸۶، میتراکوس^۱ ۲۰۱۰) به زیرگروه‌های مختلف بیکاران توجه کرده‌اند و بیکاران را بر اساس سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، جنسیت و گروه‌های عمده فعالیت مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان برخی از پژوهشگران (مؤمنی ۱۳۷۵، مشفق و احمدی ۱۳۸۶) به بررسی نتایج و پیامدهای اشتغال و بیکاری توجه کرده‌اند. آن‌ها اشتغال را در ارتباط با مفاهیمی مثبت نظیر توسعه منابع انسانی، توسعه اقتصادی، توسعه پایدار پیوند داده‌اند. همچنین بیکاری را برابر با جرم، آسیب پذیری روانی و اجتماعی دانسته‌اند و ارتباط میان بیکاری و این معضلات را مثبت و مستقیم ارزیابی کرده‌اند.

تعدادی از پژوهش‌ها در خارج از ایران به صورت خاص به موضوع شرایط بازار کار و ازدواج با استفاده از داده‌های طولی پرداخته‌اند (برای نمونه هاشیموتو^۲ و کوندو^۳ ۲۰۱۲، اسپالر^۴ ۲۰۱۳، گونزالس و مارسن^۵ ۲۰۱۵). هاشیموتو و کوندو (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی تأثیرات طولانی‌مدت شرایط بازار کار بر نحوه‌ی تشکیل خانواده جوانان ژاپنی پرداخته‌اند. این مطالعه به دنبال آن است تا شرایط بلند مدت اقتصادی را در وضعیت خانوادگی کوهورت‌های مختلف جوانان بررسی کند. نتایج نشان داد زنانی (اغلب با تحصیلات بالا) که در کوهورت جمعیتی قرار دارند که در آن نرخ بیکاری

-
1. Mitrakos
 2. Hashimoto
 3. Kondo
 4. Schaller
 5. González & Marcén

بالاست ازدواج خود را به تعویق می‌اندازند و باروری پایین‌تری دارند. همچنین اسکالر (۲۰۱۳) با استفاده از داده‌های حیاتی مرکز بهداشت آمریکا در دوره‌ی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۷۸ به بررسی اثرات چرخه‌ی بازار کار بر ازدواج و طلاق پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد به ازای یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، ۱٫۵ درصد نرخ ازدواج کاهش خواهد یافت. گونزالس و مارسن (۲۰۱۵) نیز اثرات بیکاری بر ازدواج و طلاق در دوره‌های زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۸ در اسپانیا را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد نرخ بیکاری به طور معکوس با نرخ ازدواج در ارتباط است. به عبارت دیگر بیکاری، ازدواج افراد را به تعویق می‌اندازد. افزایش یک درصدی در نرخ بیکاری در اسپانیا حدود ۳ درصد نرخ ازدواج را کاهش می‌دهد. در تمامی این پژوهش‌ها محققین معتقدند که مشکلات بازار کار و بحران‌های اقتصادی در کشورهای مختلف منجر به تأخیر در ازدواج می‌شود.

در کنار پژوهش‌های خارجی، ایگل و صالحی اصفهانی (۲۰۱۰)، صالحی اصفهانی و ایگل (۲۰۰۷) و صالحی اصفهانی (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر شرایط بازار کار بر وضعیت ازدواج در ایران پرداخته‌اند. در پژوهشی با عنوان "چرا جوانان ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند؟ بازده بازار کار و زمان ازدواج" ایگل و صالحی اصفهانی (۲۰۱۰) نشان دادند که در ایران اشتغال و ازدواج عوامل موثری بر گذار افراد به بزرگسالی است. اکثریت مردان در زمان ازدواج شاغل هستند و تنها ۱۵ درصد از مردان در زمان ازدواج در حال تحصیل می‌باشند و یا پس از متأهل شدن شاغل می‌شوند. آن‌ها در پژوهشی دیگر (صالحی اصفهانی و ایگل، ۲۰۰۷) نشان دادند جوانان ایرانی در انتقال به بزرگسالی در حوزه‌ی یافتن شغل و تشکیل خانواده با مشکل روبرو هستند. نرخ بیکاری بالاتر از ۲۰ درصد در میان جوانان موجب می‌شود تا مدت زمان بیشتری را با والدین خود گذرانده و مجرد باقی بمانند. این مسأله باعث افزایش سن ازدواج جوانان و به تبع آن کاهش باروری می‌شود. صالحی اصفهانی (۲۰۱۱) در پژوهشی دیگر به بررسی وضعیت جوانان ایرانی در شرایط بحران‌های اقتصادی پس از سال ۱۳۸۸ در

ایران توجه دارد و در این خصوص به میزان‌های بالای بیکاری جوانان و تأخیر در ازدواج اشاره می‌کند. بدین ترتیب مطالعات نشان می‌دهد که بیکاری بالای جوانان در زمان بحران اقتصادی، ازدواج و تشکیل خانواده را برای جوانان در ایران با چالش جدی روبرو کرده است. اغلب پژوهش‌ها در حوزه‌ی بیکاری جوانان و تأخیر در ازدواج با استفاده از رویکرد کمی انجام شده است. پژوهشی که با بکارگیری روش ترکیبی در صدد پاسخ به چگونگی و چرایی نحوه تأثیرگذاری بیکاری بر تأخیر ازدواج مردان جوان تهرانی باشد انجام نشده است. از این منظر می‌توان پژوهش پیش روی را قدمی جدید در جهت شناخت ارتباط مسأله‌ی بیکاری و تأخیر در ازدواج دانست.

ملاحظات نظری

نظریاتی که تأخیر در ازدواج را با تأکید بر بیکاری تبیین می‌کنند عمدتاً رویکردی ساختاری دارند (مانند نظریه‌های دیکسون^۱، مایر و وین‌شیپ^۲ و نظریه نوسازی). در این رویکرد در طول زمان خانواده از یک ساختار اقتصاد سنتی وابسته به کشاورزی به اقتصاد صنعتی انتقال یافته است. در اقتصاد سنتی، خانواده گسترده بوده و افراد در سنین پایین ازدواج می‌کردند و پس از ازدواج نیز همراه با خانواده پدری خود به کشت زمین و معیشت می‌پرداختند. در اقتصاد سنتی مهارت و تخصص جایگاه ویژه‌ای ندارد. پدرسالاری وجه بارز این نوع از خانواده‌های گسترده بود. فرزندان اختیار کمتری برای ازدواج داشتند و ازدواج منوط به تصمیم خانواده‌ی پدری بود. با صنعتی شدن جوامع و گسترش اشتغال و تنوع در انواع کسب‌وکارها و تخصصی شدن شغل‌ها افراد از خانواده پدری خود فاصله گرفته و به نوعی به استقلال مالی و تصمیم‌گیری رسیدند. خانواده از شکل گسترده خارج و به خانواده هسته‌ای تبدیل شد. فرد محوری یکی از ویژگی‌های بارز این شکل از خانواده‌ها محسوب می‌شود. در یک ساختار مدرن افراد ترجیح

1. Dixon

2. Mare & Winship

می‌دهند تا برای چند سال وقت خود را صرف کسب دانش و مهارت نمایند و ازدواج خود را به تعویق بیندازند. آن‌ها برای اینکه انتخابی آزادانه‌تر برای ازدواج داشته باشند باید استقلال بیشتری از والدین داشته باشند و به نوعی از نظر شغلی و درآمدی در شرایط با ثباتی قرار گیرند. با توجه به نظریات با رویکرد ساختاری، بیکاری بالای جوانان در ایران و مشکلات بازار کار در جذب آن‌ها، تأخیر در ازدواج را به همراه داشته است (محمودیان، ۱۳۸۳؛ عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶).

دیکسون (۱۹۷۱) از جمله افرادی است که در مورد الگوهای ازدواج بر ساختار اجتماعی و تغییرات آن تأکید دارد. وی یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر تصمیم جوانان برای ازدواج را امکان پذیری می‌داند. امکان پذیری به معنای فراهمی شرایط اجتماعی و اقتصادی (نظیر اشتغال) برای ازدواج است. زمانی که فشار اجتماعی جوانان را مجبور می‌کند تا برای ازدواج درآمد و مسکن داشته باشند جوانان تصمیم می‌گیرند که ازدواج خود را به تعویق بیندازند. همچنین بر اساس دیدگاه مایر و وین‌شیپ (۱۹۹۱) شرایط اقتصادی و اجتماعی تأثیر بارزی بر تأخیر ازدواج جوانان دارد. مردانی که شغل مناسبی ندارند و از نظر درآمدی با مشکل روبرو هستند کمتر از سایرین ازدواج می‌کنند. آن‌ها مهیا نبودن شرایط اجتماعی و اقتصادی را مهمترین عامل برای تأخیر ازدواج مردان می‌دانند.

در کنار نظریات مرتبط با تأخیر در ازدواج نظریات مرتبط با بیکاری را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ نظریاتی که بیکاری را از یک منظر ساختاری تحلیل می‌کنند (پل شکسته میان آموزش و کار^۱، نظریه گلوگاه^۲)؛ و برخی از نظریات نیز به پیامدها و نتایج فردی ناشی از بیکاری توجه دارند (نظریه محرومیت پنهان^۳ و محدودیت عمل^۴).

-
1. Broken link between education & work
 2. Bottleneck
 3. Latent Deprivation
 4. Agency Restriction

بر اساس نظریه پل شکسته میان آموزش و کار، عدم هماهنگی در پذیرش دانشجو در رشته‌های تحصیلی با نیازهای بازار کار یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات در کشورمان می‌باشد. پژوهشگران در حوزه بیکاری عدم انطباق مهارت‌های آموخته با نیاز بازار کار^۱ را عاملی می‌دانند تا شکاف میان زمان فارغ‌التحصیلی و ورود فرد به بازار کار بیشتر شود. محققین به این موقعیت اصطلاحاً "پل شکسته بین آموزش و بازار کار" می‌گویند (رابرت،^۲ ۲۰۰۴؛ برین،^۳ ۲۰۰۵). ورود متولدین دهه‌ی ۵۰ و دهه‌ی ۶۰ به بازار کار با افزایش نیروی کار، افزایش نرخ مشارکت، پدیده‌ی چندشغلی بودن و مشکلات نهادی و قوانین مقررات بازار کار همراه شده است (باصری و جهانگرد، ۱۳۸۶). ظرفیت بسیار پایین بازار کار در جذب نیروی انسانی و استمرار چند ساله‌ی این نابسامانی موجب شده است تا حجم بسیار بالایی از نیروی کار جوان موقعیت بیکاری را تجربه کنند. به این موقعیت اصطلاحاً "گلوگاه" گفته می‌شود (مایت و مورل،^۴ ۱۹۹۰؛ آمادوت،^۵ ۱۹۹۵). عدم ظرفیت بازار کار در جذب نیروی انسانی و ادامه این روند برای چند سال نهایتاً منجر به تجمع تقاضا برای ورود به بازار کار شده است. در این شرایط گلوگاهی از بیکاران در جستجوی کار در جامعه را شاهد هستیم.

جاهودا^۶ (۱۹۸۲) استدلال می‌کند که شغل دو مزیت برای افراد دارد؛ یکی نیازهای مالی فرد را تأمین می‌کند و دیگری منافع پنهانی دارد و نیازهای روانی افراد را تأمین می‌کند. در ابتدای امر افراد برای پاسخگویی به نیاز مادی (منافع آشکار) است که به سراغ شغل می‌روند. در کنار این منافع، منافع پنهانی همچون تعامل اجتماعی، هدف مشترک، منزلت، هویت و فعال بودن بسیار با اهمیت هستند. منافع پنهان به افراد کمک می‌کند که در گروه احساس مفید بودن داشته باشند، در جامعه به رسمیت شناخته

-
1. Mismatch of skills
 2. Roberts
 - 3 Breen
 4. Myatt & Murrell
 5. Aamodt
 6. Jahoda

شوند. همچنین به افراد کمک می‌کند تا از زمان و دیدگاه‌های خود برای گسترش افق‌های اجتماعی استفاده کنند. بر این اساس، موقعیت هر فرد از طریق شغل وی تعریف می‌شود. بیکاری موجب محرومیت فرد از منافع آشکار و نهان می‌شود. بیکاری فراتر از مسائل مالی حس محرومیتی را در افراد جامعه باقی می‌گذارد (جاهودا، ۱۹۸۴: ۲۹۸). فرایر^۱ (۱۹۹۵) دیدگاهی متفاوت با جاهودا را مطرح می‌کند. وی پیامد اصلی بیکار شدن را از دست دادن منبع اصلی درآمد می‌داند. فرایر مطرح می‌کند که از دست دادن درآمد موجب می‌شود که فرد در انتخاب سبک زندگی و برنامه‌ریزی برای زندگی خود دچار مشکل شود و رضایتش از زندگی کاهش یابد. بیکاری غیر ارادی منجر به تجربه‌ی فقر تباہ کننده می‌شود و تجربه‌ی فقر است که افراد را از آینده معنادار زندگی خود دور می‌سازد و سلامت روان آنان را کاهش می‌دهد.

بطور خلاصه، ترکیب نظریه‌های بیکاری و تأخیر ازدواج در نظریه اجتناب از خطر^۲ متبلور شده است. این نظریه انگیزه‌های فردی رفتار افراد را در چارچوب اقتصادی تبیین می‌کند و مدعی است که افراد زمانی در شرایط ناامنی اقتصادی قرار دارند و عدم قطعیت بالایی دارند از ریسک‌های غیرضروری در زندگی‌شان اجتناب می‌کنند. برای ورود این نظریه به مباحث جمعیت‌شناسی تلاش فراوانی توسط محققان این حوزه انجام شده است (هالک و آیزنهاور^۳، ۲۰۰۱؛ مکدونالد^۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶). مکدونالد (۲۰۰۶) از جمله جمعیت‌شناسانی است که در جهت بسط این نظریه در مباحث خانواده اقدام کرده است. وی معتقد است که جوانان نسبت به موقعیت‌های مخاطره آمیز حساسیت بیشتری دارند. جهانی شدن و افزایش سطح تحصیلات منجر به افزایش سطح انتظارات اقتصادی جوانان شده است. این افزایش انتظارات با موقعیت نامناسب جوانان در بازار کار رقابتی و احساس ناامنی نسبت به

-
1. Fryer
 2. The Risk Aversion Theory
 3. Halek & Eisenhauer
 4. McDonald

آینده همراه شده است. موقعیت‌های شغلی کوتاه مدت و قراردادی شده‌اند و آنان را نسبت به آینده نامطمئن کرده است. اگرچه ممکن است ازدواج برای جوانان منافی را به همراه داشته باشد اما در شرایط بیکاری و ناامنی اقتصادی ریسک را افزایش می‌دهد. در این شرایط جوانان ترجیح می‌دهند که زمان بیشتری را به تحصیل پرداخته و امنیت شغلی خود را افزایش دهند (مکدونالد و اوانس^۱، ۲۰۰۲؛ مکدونالد ۲۰۰۶). از منظر این نظریه، درویانکا^۲ (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان می‌دهد که افرادی در شرایط ناامنی اقتصادی خطر را می‌پذیرند (ازدواج در شرایط بیکاری و ناامنی اقتصادی) که تحمل و مهارت بیشتری (از طریق حمایت خانوادگی، مهارت شغلی مناسب، پس انداز مناسب) در مقابل خطر دارند.

بدین ترتیب، همانطور که در نظریه دیکسون از امکان پذیری ازدواج بیان شد اشتغال یکی از پیش شرط‌های مهم ازدواج است. با توجه به اهمیت اشتغال و طبق نظریه اجتناب از خطر، در شرایط بیکاری افراد از ازدواج اجتناب ورزیده و در نتیجه شاهد افزایش سن ازدواج و تأخیر در ازدواج هستیم.

روش پژوهش

در این مقاله از روش تحقیق ترکیبی استفاده شده است. این روش به ما این امکان را می‌دهد تا به سوالات پژوهش از طریق دو رویکرد کمی و کیفی پاسخ دهیم. از میان انواع روش‌های تحقیق ترکیبی، "طرح متوالی - تبیینی"^۳ مورد استفاده قرار گرفت. در این طرح ابتدا داده‌های کمی تحلیل می‌شوند، سپس در مرحله دوم داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل می‌شود. در نهایت نتایج هر دو تحلیل کمی و کیفی در بخش نتیجه‌گیری مورد بحث و تفسیر قرار می‌گیرند.

-
1. Evans
 2. Drewianka
 3. Sequential-Explanatory Mixed Methods Design

در بخش کمی پژوهش از تحلیل ثانویه^۱ داده‌های خرد دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ استفاده شده است. جمعیت آماری پژوهش شامل جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران است و حجم نمونه مورد بررسی ۱۳۳۶۰ نفر جوان که در سرشماری ۱۳۹۰ جزء جمعیت فعال (شاغل یا بیکار در جستجوی کار) محسوب می‌شدند را شامل می‌شود. با استفاده از این داده‌ها وضعیت اشتغال در دو مقوله بیکار و شاغل به عنوان متغیر مستقل مبنای پژوهش قرار دادیم. متغیر وابسته نیز وضعیت زناشویی در دو مقوله ازدواج کرده و ازدواج نکرده در نظر گرفته شده است. متغیرهای مستقل سن، سطح تحصیلات، و وضعیت بومی-مهاجر است. یافته‌ها به دو صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شدند. در بخش توصیفی به تحلیل تک متغیره هر یک از ویژگی‌های نمونه پرداختیم. در تحلیل‌های دو متغیره نیز با استفاده از آزمون کای اسکوئر معنی‌داری روابط هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته به طور جداگانه مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. از آنجایی که متغیر وابسته پژوهش دوشقی بوده است از رگرسیون لجستیک برای آزمون تأثیر وضعیت بیکاری در برآورد احتمال تجردماندگی استفاده کردیم. در بخش کیفی پژوهش از روش پدیدارشناسی استفاده شد. توجه اصلی این روش شناخت تجربه ذهنی افراد است (بوریل و مورگان^۲، ۱۳۸۳: ۳۵۱). روش پدیدارشناسی در این پژوهش به ما این امکان را می‌دهد تا ببینیم که جوانان پدیده‌ای مانند بیکاری را چگونه تجربه می‌کنند و پدیده‌ی بیکاری چگونه بر انتقال افراد به بزرگ‌سالی و تأخیر در ازدواج تأثیرگذار است. برای این کار به مصاحبه‌ی عمیق با افرادی پردازیم که به طور مستقیم پدیده‌ی بیکاری را تجربه کرده‌اند، یعنی دارای "تجربه‌ی زیسته"^۳ باشند. برای یافتن مشارکت کنندگان از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. به نمایندگی در پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران نیمی از تعداد نمونه‌ها از میان بیکارانی که به پنج مرکز کاریابی (اشراق، ابن سینا، روزان

1. Secondary analysis
2. Burrell & Morgan

پریدار، کار و تجارت آپادانا، ملک کاران) رجوع کرده بودند، انتخاب شد. از اینرو، با ۱۴ مرد جوانی که برای جستجوی کار به این مراکز مراجعه کرده و مجرد بودند مصاحبه بعمل آمد. علاوه بر این، در این مناطق پنج گانه با ۱۳ نفر مرد جوان مجرد بیکار که به شیوه‌ی گلوله برفی به محقق معرفی شدند مصاحبه بعمل آمد. مصاحبه‌ها به مدت دو ماه در آبان و آذر ۱۳۹۴ انجام پذیرفت. از اینرو، با انجام مصاحبه با ۲۷ مشارکت کننده به اشباع نظری دست یافتیم و به همین تعداد اکتفاء کردیم. در تحلیل داده‌های کیفی شیوه تمثیک (تحلیل موضوعی) بکار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

الف) نتایج بخش کمی پژوهش

در بخش کمی پژوهش با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که بیکاری تا چه اندازه احتمال تجردماندگی مردان جوان تهرانی را افزایش می‌دهد؟

نتایج پژوهش در بخش کمی نشان داد بیشترین میزان بیکاری (۳۳ درصد) در میان مردان جوان شهر تهران در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله وجود دارد. همچنین، همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میزان بیکاری مردان جوان در شهر تهران با افزایش سطح تحصیلات بالاتر می‌رود. به بیان دیگر، اقتصاد کشورمان توانایی جذب افرادی با تحصیلات بالاتر را نداشته و از سوی دیگر جوانان با تحصیلات بالاتر به دلیل بالا رفتن سطح انتظاراتشان به هر شغلی ورود پیدا نمی‌کنند. افراد بی‌سواد پایین‌ترین میزان بیکاری را در میان جمعیت جوان دارند. یکی از علت‌های نرخ پایین بیکاری در میان مردان جوان با تحصیلات پایین‌تر را می‌توان سابقه‌ی شغلی این افراد و ورود زودتر آن‌ها به بازار کار دانست. بعلاوه، میزان بیکاری پایین‌تر مردان جوان غیربومی در مقایسه با افراد بومی (تهرانی) است.

جدول ۱- وضعیت ازدواج و بیکاری مردان جوان شهر تهران به تفکیک ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی، ۱۳۹۰

جمعیت فعال (%)		وضعیت ازدواجی (%)		مشخصه‌های اجتماعی- جمعیتی
میزان اشتغال	میزان بیکاری	حداقل یکبار ازدواج کرده	هرگز ازدواج نکرده	
		۹,۱	۹۰,۹	بیکار
		۴۴,۱	۵۵,۹	شاغل
		۱۳۳۲,۳ (۰,۰۰۱)		آزمون خی دو
۳۰,۸	۶۹,۲	۴,۰	۹۶	۱۵-۱۹ ساله
۳۲,۸	۶۷,۲	۱۹,۱	۸۰,۹	۲۰-۲۴ ساله
۱۹,۵	۸۰,۵	۴۷,۵	۵۲,۵	۲۵-۲۹ ساله
۲۹۳,۵ (۰,۰۰۱)		۱۳۸۷,۲ (۰,۰۰۱)		آزمون خی دو
۶,۲	۹۳,۸	۳۴,۳	۶۵,۷	بی‌سواد
۱۳,۰	۸۳	۴۹,۷	۵۰,۳	نهضت و ابتدایی
۲۱,۵	۱۸,۵	۳۸,۵	۶۱,۵	راهنمایی
۲۵,۸	۷۴,۲	۳۳,۵	۶۶,۵	متوسطه و دیپلم
۲۷,۸	۷۲,۲	۳۴,۶	۶۵,۴	دانشگاهی
۱۴۶,۶ (۰,۰۰۱)		۱۷,۰۶ (۰,۰۰۱)		آزمون خی دو
۲۸,۸	۷۱,۲	۳۰,۸	۶۹,۲	بومی
۱۲,۷	۸۷,۳	۴۸,۳	۵۱,۷	مهاجر
۳۵۹,۹ (۰,۰۰۱)		۳۴۳,۸ (۰,۰۰۱)		آزمون خی دو
۳۲۱۱	۹۹۰۶	۸۶۱۰	۴۷۴۴	حجم نمونه (N)

علاوه بر اینها، نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد تقریباً ۹۱ درصد از جمعیت فعال مردان جوان در شهر تهران که در زمان سرشماری اعلام کرده‌اند که بیکار بوده‌اند هرگز ازدواج نکرده‌اند. این افراد ترجیح می‌دهند که در شرایط بیکاری ازدواج خود را به تعویق بیندازند. از اینرو، نسبت تجردماندگی در افراد بیکار به مراتب بیشتر از افراد شاغل است.

همچنین، با افزایش سن در میان مردان جوان نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده کاهش می‌یابد. با این حال تقریباً ۵۲ درصد از مردان جوان شهر تهران که در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله هستند هرگز ازدواج نکرده‌اند. بر اساس سطوح تحصیلی بیشترین میزان تجرد ماندگی مربوط به مردان جوانی با تحصیلات دیپلم و دانشگاهی است. این افراد هم‌زمان بالاترین نرخ بیکاری را تجربه می‌کنند. بعلاوه، بر اساس نتایج، تقریباً نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده بومی شهر تهران ۱۷ درصد بیشتر از افراد غیربومی است. بنابراین بیکاری یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر تأخیر در ازدواج مردان جوان تهرانی محسوب شود.

جدول ۲- نتایج رگرسیون لجستیک از تأثیر بیکاری بر احتمال تجرد ماندگی مردان جوان

در شهر تهران

مدل (۲)			مدل (۱)			مقوله‌ها	متغیرها
Sig	نسبت بخت‌ها	B	Sig	نسبت بخت‌ها	B		
.	۱,۰۰۰	.	.	۱,۰۰۰	.	شاغل ^۱	وضعیت اشتغال
۰,۰۰۱	۶,۵۹۸	۱,۸۸۷	۰,۰۰۱	۷,۶	۲,۰۶	بیکار	
.	۱,۰۰۰	.				۲۵-۲۹	گروه سنی
۰,۰۰۱	۳,۷۲۸	۱,۳۶				۲۰-۲۴	
۰,۰۰۱	۲۸,۲۷	۳,۳۴۲				۱۵-۱۹	

R= Reference Group

۰	۱,۰۰۰	۰		مهاجر	وضعیت بومی - مهاجر
۰,۰۰۱	۱,۸	۰,۶۰۹		بومی	
۰	۱,۰۰۰	۰		بی سواد	سطح تحصیلات
۰,۰۰۲	۰,۵۹۸	۰,۵۱۵		ابتدایی	
۰,۱۲۸	۰,۸۰۰	-۰,۲۲۴		راهنمایی	
۰,۷۲۶	۰,۹۵۱	-۰,۰۵۰		متوسطه و	
۰,۳۷۴	۱,۱۳۹	۰,۱۳۰		دیپلم دانشگاهی	
درصد محقق شده: ۷۰,۴ ضریب تعیین: ۲۹٪ -B constant: 0.607			درصد محقق شده: ۶۴,۵ ضریب تعیین: ۱۵٪ B constant: 0.239		

نتایج مربوط به آزمون رگرسیون لجستیک در جدول ۲ نشان می‌دهد که در مدل تک متغیره (مدل ۱)، وضعیت بیکاری به تنهایی ۱۵ درصد از احتمال داشتن وضعیت مجردماندگی را تبیین می‌کند. همچنین احتمال مجرد مردان جوان در شرایط بیکاری ۷,۶ برابر بیشتر از افرادی است که شاغل هستند. در مدل ۲ به بررسی تأثیر وضعیت بیکاری بر احتمال مجردماندگی با کنترل متغیرهایی مانند سن، وضعیت بومی - مهاجر و سطح تحصیلات پرداخته شد. نتایج این مدل نشان می‌دهد که این چهار متغیر مستقل در مجموع ۳۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. با کنترل سایر متغیرها، با تغییر وضعیت جوانان از شاغل به بیکاری، احتمال مجرد افراد ۶,۵ برابر افزایش می‌یابد. در نتیجه بیکاری به عنوان عامل مهمی در تأخیر در ازدواج مردان جوان شهر تهران محسوب می‌شود. بدین ترتیب، جوانانی که بیکار هستند برنامه‌های زندگی خود نظیر ازدواج و تشکیل خانواده را به تأخیر می‌اندازند. با اینحال مهم است بدانیم که آن‌ها تجربه زیسته‌شان از بیکاری و مجرد بودن را چگونه معنا و تفسیر می‌کنند. برای این کار

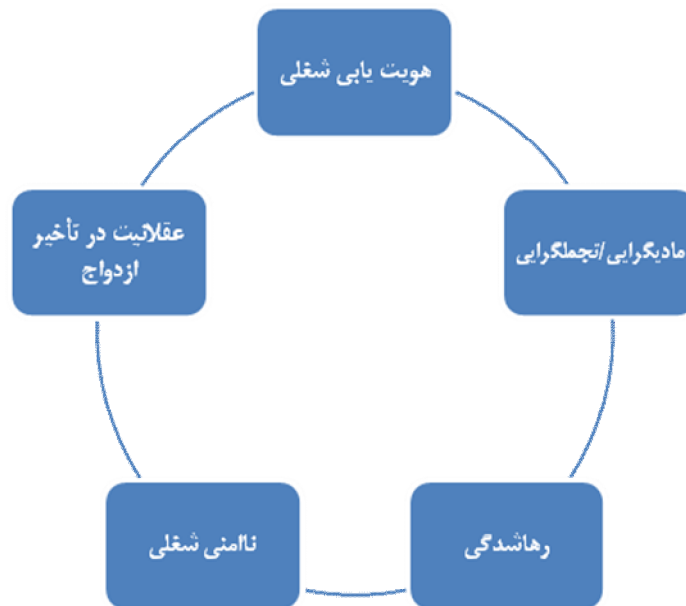
از روش تحقیق کیفی استفاده کردیم که در ادامه مقاله به ارائه یافته‌های این بخش از پژوهش می‌پردازیم.

ب) نتایج بخش کیفی پژوهش

یافته‌های کیفی پژوهش از طریق مصاحبه عمیق با ۲۷ جوان مجرد که در جستجوی کار بودند، بدست آمد. با انجام روش تحقیق کیفی به دنبال پاسخ به سوالات ذیل بودیم:

- مکانیسم تأثیرگذاری بیکاری بر روی تأخیر در ازدواج به چه صورت است؟
- افراد بیکار تجربه‌ی خود از بیکاری را چگونه تعریف می‌کنند؟
- جوانان چه استراتژی‌هایی برای کنار آمدن با بیکاری دارند؟

با تحلیل خط به خط مصاحبه‌ها و کدگذاری باز درنهایت ۵ مقوله از کدگذاری متمرکز به دست آمده است. مقولات کلی بدست آمده از کدگذاری متمرکز این امکان را به ما می‌دهد تا فراوان‌ترین و معنادارترین کدهای اولیه را غربال و تقلیل دهیم و پس از تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک در قالب مقولات کلی قرار گیرد. نمودار ۲ پنج مقوله حاصل از کدگذاری متمرکز را نشان می‌دهد.



نمودار ۲- مقولات کلی بدست آمده از کدگذاری متمرکز مصاحبه های کیفی

• هویت‌یابی شغلی

هویت به افراد این امکان را می‌دهد تا بدانند چه کسی هستند و چگونه با آن هویت خود را به دیگران معرفی کنند. هویت افراد با موقعیت‌های که افراد در آن قرار می‌گیرند تعریف می‌شود. با هویت پدر، فرزند، دانشجوی، کارمند، تاجر افراد خود را به دیگران مربوط می‌کنند. افراد با موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرند می‌توانند خود را از دیگران متمایز کنند. با موقعیتی که فرد در جامعه دارد می‌تواند هویت خود را قوام بخشد. وضعیت اشتغال افراد نیز یکی از منابع هویتی تمایزبخش محسوب می‌شود. محصل، دانشجو، دکتر، مهندس، بازرگان، کارگر، بیکار هر یک بازگو کننده‌ی موقعیت اشتغال افراد در جامعه است. بیکاری از جمله نقش‌های اجتماعی است که در آن عاملیت به حالت انفعال می‌رسد. از آنجایی که برای وضعیت بیکار فرد موقعیتی تعریف

نشده است در این مورد جامعه و خانواده هویتی برای او قائل نیست. سینا ۲۹ ساله می‌گوید:

"وقتی توی خونه یه کاری میخان انجام بدن زیاد روی من حساب باز نمیکنن. انگار که من اصلاً نیستم. مثل یه بچه با آدم رفتار می‌کنن. حالا باش دیگه. یجوری رفتار میکنند که هستی ما هم زیاد کاری به کارت نداریم".

شغل نه فقط به این خاطر که منبع اقتصادی و مالی است بلکه شغل از این جهت که ابزاری برای معرفی مهارت‌ها، تمایلات و انگیزه‌ها می‌شود مهم تلقی می‌گردد. زمانی که از نیما ۲۸ ساله پرسیدم که فکر می‌کنید انتظار خانواده همسر آیندتان از شما چیست در پاسخ گفت:

"اول که سلام بیاد دهنه ازت دو تا سلام مهم میپرسن. یک کی هستی؟ دو کارت چیه؟ اینکه کی هستی رو باید از خانواده‌ای که توش بزرگ شدی حرف بزنی و با خانوادت خودتو بشناسونی. وقتی میپرسن کارت چیه یعنی خودت کی هستی؟ یعنی توی زندگیت چیکارا کردی؟ چی یاد گرفتی و چی خوندی؟ چطور فکر میکنی؟ داشته هات چیه؟ میتونی زندگی نگه داری؟".

جامعه برای فرد بیکار هویتی مستقل قائل نیست و او را فردی وابسته و مصرف‌کننده می‌پندارد. بیکاری مترادف با علافی، بی‌غیرتی، و بی‌سروسامانی است. در موقعیت بیکاری افراد از اینکه برای آن‌ها نقشی تعریف نشده است بسیار ناراحت و نگران هستند. در این شرایط افراد به دنبال این هستند تا با یافتن شغل برای خود هویتی متمایز نسبت به دیگران تعریف کنند.

اگرچه افراد طبقات پایین اقتصادی در شرایط بسیار سخت و بحرانی برای رفع نیازهای اولیه حاضر می‌شوند تن به هر کاری دهند تا از مصائب و مشکلات مالی کوتاه‌مدت خود فارغ شوند اما همیشه این‌طور نیست. نهادهای اجتماعی که فرد در آن

قرار می‌گیرد برای او چارچوب‌هایی را تعیین می‌کند. این چارچوب‌ها مانع از این می‌شوند که فرد دست به هر کاری بزند. مثلاً نهاد خانواده هر شغلی را در شأن فرد نمی‌داند. به‌طور مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان که از خانواده‌ای فرهنگی است می‌گوید:

”برادر خودم فوق‌لیسانس تربیت‌بدنی رو از دانشگاه تهران گرفته سربازی هم رفته اما براش کار نیست. خانواده دائم اصرار دارند که برو سر کار. همه جا هم بخای رفته اما کار براش پیدا نشده. دیده اینطوریه الان رفته توی کار خرید و فروش لوازم خانگی. پول درمیاره اتفاقاً پولش هم خوبه. اما خانومش میگه که این کار نیست تو باید کار منظم داشته باشی. درآمدت مشخص باشه. آینده داشته باشه. این همه خرج درس و تحصیل کردی که فروشنده باشی؟! ”.

گاه افراد برای هویت‌یابی خود از طریق شغل در یک ساختمان‌دی خودجوش عقلانی تصمیم می‌گیرند. برای مثال تصمیم به ازدواج با خانواده‌ای با منزلت اجتماعی بالا نیازمند شغلی آبرومند و در شأن اجتماعی آن خانواده است. موقعیت ازدواج، تعاریف جدیدی از کار برای فرد به وجود می‌آورد.

افرادی که از نظر مالی در طبقات پایین اقتصادی جامعه قرار دارند علاوه بر اینکه از نظر مالی در مضیقه قرار دارند اصولاً منابعی که بتوانند با آن هویت‌یابی کنند محدود است. هویت‌های اجتماعی متنوعی برای افراد طبقات بالای اقتصادی وجود دارد که فرد می‌تواند خود را با آن معرفی کند. نقاش، تحصیل‌کرده، ساکن بالاشهر، نوازنده ساز و غیره نقش‌هایی هستند که این امکان را به افراد می‌دهد تا با آن هویت‌یابی اجتماعی داشته باشند.

بیکاری از این منظر که در جامعه ایرانی منفور بوده و هویت فرد را دچار خدشه می‌کند سرمایه اجتماعی فرد را نشانه رفته است. در این شرایط، اگر فرد پشتوانه‌ی مذهبی، فرهنگی و سنت تاریخی ضعیفی داشته باشند در شرایط بیکاری به انواع

انحرافات اجتماعی کشیده می‌شود. در این زمینه حسن ۲۰ ساله که بیکار است می‌گوید:

"من دوستای زیادی توی دبیرستان داشتم (البته الان دوستم نیستن) که از سر بیکاری خلاف شدن. معتاد شدن. دعوآگیرن. مواد فروشن. من بیکاری کشیدم کارگری کردم اما خودم چون خانواده ام مذهبی‌ان خونواده سالمی هستیم اصلاً دنبال خلاف نرفتم".

• تجمل‌گرایی/مادی‌گرایی

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در دنیای مدرن شاهد آن هستیم تغییر نیازهای مادی افراد است. زنان و جوانان از مهم‌ترین قشری هستند که تمایل به مصرف در آنان بیشتر از سایرین قوت دارد. زنان و جوانان بیشترین نقش را در روند مصرفی شدن جامعه می‌گذارند (سعیدی، ۱۳۸۳). در گذشته رفاه و تجملات زندگی بسیار پایین بوده و شروع یک زندگی متأهلانه با هزینه‌های زیادی همراه نبوده است. به جهت تبلیغات گسترده و شکل‌گیری نیازهای جدید و متنوع، نیازها در میان جوانان بازتعریف شده است. این نیازها با شرایط عینی (بیکاری، هزینه‌های بالای زندگی متأهلی و...) در تضاد است.

نیازهای مادی افراد مهم‌ترین عاملی است که آنها را به کار وا می‌دارد. ازدواج می‌تواند به‌عنوان یک محرک افراد را به یافتن شغل ترغیب کند. داشتن درآمد مطمئن و متناسب با هزینه‌های زندگی پیش شرطی برای ازدواج است. میلاد ۲۳ ساله از جمله کسانی است که می‌داند که لازمه ازدواج قرار گرفتن در یک شرایط اقتصادی مناسب به واسطه‌ی اشتغال است. او به فردی علاقه‌مند بود و به دلیل اینکه وضعیت درآمدی مناسبی نداشته رابطه‌ی عاطفی او خاتمه یافته است. میلاد می‌گوید:

"من زمانی که ترم شش کارشناسی میرفتم سر کار به ازدواج فکر می‌کردم. اصلاً سر کار میرفتم که بتونم ازدواج کنم. با شوق سر کار

میرفتم. اون موقع نتونستم پول و زندگی جمع و جور کنم. دقیقاً بخاطر مشکل مالی من نتونستم برم خواستگاری".

گاه مصرف از جنبه‌ی برآوردن نیاز فراتر رفته و حالت تظاهری یا نمایشی پیدا می‌کند. در این نوع مصرف افراد در پی آن هستند تا توجه عموم را به خود جلب نمایند. امروزه سبک زندگی جایگزین مفهوم طبقه شده است. افراد با سبک مصرفی می‌خواهند خود را به طبقات اقتصادی و اجتماعی بالا منتسب کنند. افراد مصرف‌کننده بر اساس پایگاه اجتماعی، جنسیت، انتظارات دیگران و تبلیغات از جریان مصرف متأثر می‌شوند. در مسأله‌ی ازدواج عموماً خانواده‌های دختر و پسر در آشنایی اولیه بسر می‌برند. خانواده‌ها به گمان خودشان با مصرف متظاهرانه و افزایش تقاضای مادی در مراسم خواستگاری و بله‌بران می‌توانند منزلت بیشتری برای خانواده‌ی خود (بخصوص فرزند در شرف ازدواج) کسب کنند. مردان جوان در وضعیت بیکاری از استقلال مالی مناسبی برخوردار نمی‌باشند. هزینه‌های مراحل مختلف ازدواج از جمله بله‌بران، شیربها، مهریه، تهیه برخی از وسایل، مراسم عقد، برگزاری مراسم عروسی، تهیه مسکن همگی به‌عنوان موانعی پیش روی مردان جوان قرار دارد. امیررضا ۲۵ ساله از تقاضای بالای خانواده‌ها در مسأله مهریه شاکی است. او مهریه را عاملی می‌داند تا دختر و خانواده‌اش در میان دیگران با آن کسب اعتبار کنند. او می‌گوید:

"دخترها فکر میکنند که آگه بخان مهریه کمتر از سیصد چهارصدتا

بگن آبروشن رفته. فردا دختر عموش و دخترخالش ازش بیپرسن که

چقدر مهتر بوده نکنه روش نشه بگه. یا مادرش پیش عمش و زن

دایش اینا آبروش رفته. یا بگن که دخترشون به مفت بوده، دادن رفت".

افزایش انتظارات و توقعات صرفاً مربوط به خانواده‌ها و زنان نمی‌شود. مردان جوان خود نیز به دنبال رفاه بیشتر و تفریحاتی متناسب با زندگی متأهلانه هستند. مردان جوان پول را عامل مهمی در ثبات زندگی متأهلانه می‌دانند. آن‌ها معتقدند بیکاری و به

تبع آن بی پولی ناشی از بیکاری بنیان یک متاهلانه را دچار خدشه می‌کند. رضا در این مورد می‌گوید:

"کسی که پول نداره نمیتونه سینما بره تفریح کنه بیرون بره. مجبورن خونه بمونن به هم لیچار بار کنن. کسی که پول نداره حوصله‌ی هیچ چیز رو نداره. افسرده است. حوصله‌ی زن و بچه رو هم نداره. هرچقدر هم آدم باحوصله باشه نمیتونه با بی پولی سازگار باشه با بیکاری سازگار باشه. هرکی هم بگه میشه با بی پولی و بیکاری سازگار باشه دروغ گفته".

• رهاشدگی

از نظر گیدنز^۱ رها شدگی اجتماعی زمانی بوجود می‌آید که طی آن افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ‌تر محروم می‌شوند و طیف وسیعی از عوامل منجر می‌شود تا افراد و گروه‌ها را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت جمعیت است باز بمانند (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶). زمانی که مردان جوان تهرانی در شرایط بیکاری از قلمرو مهم بازار کار بازمی‌مانند از منافع مهم اقتصادی بازار کار محروم خواهند شد و پیوندهای اجتماعی خود را از دست می‌دهند. پتریک (۱۳۸۱) رهاشدگی را دقیقاً به معنای فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی می‌داند (پتریک، ۱۳۸۱: ۱۸۳). یکی از عوامل مهم در احساس رهاشدگی جوانان مسأله بیکاری است. علاوه بر اینکه امنیت شغلی بسیار حائز اهمیت است امنیت در یافتن شغل نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

برای دست‌یابی به یک شغل، سابقه‌ی شغلی فرد برای کارفرما اهمیت دارد. قابلیت استخدام نیروی کار از طریق سابقه کارش تعیین می‌شود. کارفرما از شما تجارب

کاری و رزومه‌ی شغلی‌تان را مطالبه می‌کند. افرادی که رزومه شغلی مرتبط و قوی داشته باشند راحت‌تر می‌توانند به مشاغل بهتر و با درآمد مناسب بدست آورند. برای جوانان که سابقه کاری کمتری در بازار اشتغال دارند پیدا کردن شغل بسیار مشکل است. عموماً جوانان تازه از تحصیل فارغ شده و اینک برای یافتن شغل با مشکل سابقه‌ی شغلی مواجه هستند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

"چند جا رزومه فرستادم. کارایی که بلدم. نرم‌افزاری که بلدم.

روش‌های که باعث میشه توی کارخونه راندمان افزایش پیدا کنه. فایده

نداره. اون یارو کسی رو میخاد که چند سال کار کرده باشه. برا ماها که

تازه شروع کردیم خیلی سخته که یه کار خوب پیدا کنیم".

یکی از مسائلی که جوانان با آن روبرو هستند عدم تناسب آموزش با بازار کار است. افراد در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها مهارت‌هایی را کسب می‌کنند که با نیازهای بازار کار متفاوت است. عدم انطباق مهارت‌های آموخته با نیاز بازار کار عاملی است تا میان زمان فارغ‌التحصیلی و ورود فرد به بازار کار شکاف ایجاد شود.

یکی از مشکلات مهمی که منجر به رهاشدگی جوانان می‌شود مدرک گرایی و به تبع آن بیکاری افراد تحصیلکرده است. وظیفه‌ی بخش آموزش عالی کشور تعلیم و تربیت نیروی متخصص و ماهر بر اساس نیازهای هر کشور است. در حال حاضر در کشورمان با حجم عظیمی از نیروی کار تحصیلکرده مواجه هستیم که برای جذب به بازار کار با مشکل مواجه هستند. تعداد شعب دانشگاه‌های پیام نور، علمی کاربردی، دانشگاه آزاد، غیرانتفاعی بشدت در کشور افزایش یافته است. در اکثر این مراکز افراد بدون شرکت در آزمون‌های ورودی و احراز صلاحیت‌شان وارد دانشگاه می‌شوند.

شغل هر فرد باید به‌گونه‌ای باشد تا حداقل‌های زندگی را فراهم کند و رفاه افراد را خدشه‌دار نکند. در تمام مشاغل افراد به دستمزد خود اهمیت می‌دهند و یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های هر شغل درآمد آن است. برخی از مشاغل بسیار سخت بوده و تناسبی میان آن شغل با درآمدش وجود ندارد. به این علت افراد یا آن شغل را انتخاب

نمی‌کنند و یا از روی اجبار و ناچاری آن شغل را برگزیده‌اند. غالب کسانی که با آنها مصاحبه بعمل آمده است مدعی بودند که در ماه‌های گذشته به‌طور مطلق بیکار نبوده‌اند. به‌صورت روزمزد، پاره‌وقت کار کرده‌اند. مهم‌ترین مسأله‌ی مردان جوان تهرانی نداشتن درآمد ثابت و مشخص است. آن‌ها برای رفع نیازهای خود ناگزیرند کارهای مختلف را انجام دهند و با پرداختی‌های نامنظم کارفرما تا حدی کنار آیند.

• ناامنی شغلی

امنیت شغلی، احساس فراغت نسبی از خطر یا حالتی است که در آن نیازها و خواسته‌های مشخصی تحقق می‌یابد (شاگری نیا، ۱۳۷۶: ۳۳). امنیت شغلی این امکان را برای نیروی کار فراهم می‌کند تا با رفاه بیشتری به زندگی خود ادامه دهد. امنیت شغلی از جمله مواردی است که در تصمیم‌گیری‌های افراد برای زندگی تأثیرگذار است. تصمیم به ازدواج، فرزندآوری، مهاجرت با مسأله‌ی امنیت شغلی در ارتباط است. امید ۱۹ ساله در این ارتباط می‌گوید:

"توی این یه سال ده بار بیکار شدم و کارمو عوض کردم. هر کاری شده کردم. چند ماه یجا کار میکنی یا تعطیل میشه، یا پول ندارن، یا با بهونه نمیخانت".

پایداری شغل یکی از عواملی است که امنیت شغلی برای فرد ایجاد می‌کند. نیروی انسانی (کارگر، کارمند، ...) تمایل دارند که شغل خود را به‌صورت دائمی داشته باشند و آن را از دست ندهند. تغییر شغل اگر به دلیل ارتقا و بهبود موقعیت نباشد پیامدهای مالی و روانی زیادی برای افراد رقم می‌زند. زمانی که کارفرما بتواند بدون دلیل مشخصی کار فرد را از او بگیرد و یا اخراجش کند امنیت شغلی فرد را مخدوش کرده است. قراردادهای شغلی جدید امنیت شغلی را کمتر مورد توجه دارند و موجب عدم اطمینان فرد به آینده‌ی شغلی شده است. ناامنی شغلی و قراردادی بودن اکثر مشاغل، نوعی نااطمینانی را برای افراد و خانواده‌ها به همراه دارد.

• عقلانیت در تصمیم‌گیری تأخیر ازدواج

هم‌زمان با تغییرات اقتصادی ساختار خانواده و بازار کار برای فعالیت افراد در اقتصاد جدید افراد نیازمند هستند تا مهارت‌های جدیدی را فراگیرند. اینک جوانان با مهارت‌هایی که کسب می‌کنند مستقل از خانواده خود می‌توانند به کسب‌وکار ادامه دهند. با توجه به تخصصی‌شدن مشاغل در بسیاری از موارد خانواده‌ها دیگر نمی‌توانند در یافتن شغل به فرزندان کمک کنند. فردانیت شغل و هم‌زمان استقلال مالی افراد از خانواده این امکان را به جوانان می‌دهد تا متفاوت‌تر نسبت به گذشته و در خانواده‌ی هسته‌ای (زن و شوهر و فرزندان مجرد) زندگی کنند. استقلال مالی باعث می‌شود تا حتی در مسأله‌ای مانند انتخاب همسر جوانان معیارها و ملاک‌های خود را دخیل نمایند و تقریباً مستقل از خانواده، همسر آینده‌ی خود را انتخاب نمایند. ازدواج از حالت توافق میان خانواده‌ها به قراردادی میان طرفین تبدیل شده است. مرد جوان باید ویژگی‌هایی یک همسر ایده‌آل را در فرد مورد نظر خود پیدا کند.

در یک جامعه‌ی سنتی افراد بر اساس هنجارهای اجتماعی موجود و الزاماتی که در ارتباط با ازدواج باید رعایت می‌کردند گاه مجبور به ازدواج در زمان مقرر بودند. اما در مقابل، نفع جمعی بر خواست فرد غلبه داشته و عموماً افراد در مقابل تصمیم جمع تصمیمی متضاد اتخاذ نمی‌کردند. طرز تفکر سودگرایانه ناشی از عقلانیت این امکان را برای جوانان فراهم کرده است که در یک ساختار اجتماعی به منافع فردی خود توجه کنند. عقلانیت ابزاری به جوانان این امکان را می‌دهد که در موقعیت بیکاری به نفع فردی خود (تأخیر در ازدواج) فکر کنند. رسول ۲۵ ساله که با تحصیلات فوق لیسانس بیکار است، می‌گوید:

"برم خواستگاری که اون چیزایی که ندارم رو ازم بخوان. خودم میدونم وقتی بری خواستگاری چه چیزایی رو از آدم میخوان. وقتی نداری برای چی بری خواستگاری. اومدیم به وجنات و تحصیلات ما رضایت دادن. کار نباشه که عمرن برا ازدواج رضایت نمیدن. خودم هم

تا شرایط کاریم مشخص نشده نمیرم خواستگاری. درآمد داراش توی زندگی موندم. من کجا برم؟"

در اغلب مصاحبه‌ها جوانان در شرایط بیکاری تأخیر در ازدواج را امری عقلانی قلمداد کرده‌اند. با ورود به مرحله ازدواج آن‌ها معتقدند که انتظارات از سمت خانواده خود و خانواده همسر بالا رفته و در شرایط بیکاری‌شان امکان پاسخگویی به آن را ندارند. این عقلانیت تنها مربوط به فرد بیکار نمی‌شود. از سوی دیگر خانواده‌ی دختر به فردی که شغل و پشتوانه مالی ندارد اعتماد ندارند. آن‌ها به فردی جواب مثبت می‌دهند که بتواند مسئولیت زندگی متأهلانه را بر دوش بکشد. در جامعه‌ای که شاهد تنوعی از مشاغل و حرفه‌های شغلی هستیم افراد در صورتی می‌توانند موقعیت خود را از نظر شغلی تثبیت کنند که دارای مهارت و توانمندی باشد. مردان جوان ترجیح می‌دهند با به تأخیر انداختن ازدواج بخشی از جوانی خود را با سپری کردن در دانشگاه و مراکز آموزشی و بدست آوردن تجربه‌ی کاری به کسب مهارت بپردازند.

جوانان به این آگاهی رسیده‌اند که در صورتی که در زمان ازدواج از نظر مالی کاملاً به خانواده پدری خود وابسته باشند استقلال‌شان زیر سؤال می‌رود. آن‌ها در انتخاب فرد مورد علاقه‌شان، نحوه برگزاری مراسم، پرداخت هزینه‌ها، تصمیم برای مهریه و غیره باید تا حد زیادی نظرات خانواده‌ی خود را در نظر بگیرند. مردان جوان ترجیح می‌دهند که در این شرایط ازدواج‌شان را تا بدست آوردن شرایط اقتصادی باثبات به تأخیر بیندازند. از سوی دیگر برای تمامی خانواده‌ها این امکان وجود ندارد که از فرزندان پسرشان برای ازدواج حمایت کامل مالی کنند. در این زمینه، سپهر ۲۸ ساله می‌گوید:

"بابام چندین بار بهم گفته که پسر، من که نه پول درست و حسابی دارم نه کسی رو می‌شناسم که دستتو جایی بند کنم. دغدغه‌ی زندگی من تویی. بیکاری و زندگی نداری. اگه تو هم سر و سامون بگیری من خیالم راحت میشه و راحت سر میدارم میمیرم."

آنچه که موجب نگرانی خانواده‌ها و جوانان می‌شود بحث عمومیت بیکاری است. با بالا رفتن نرخ بیکاری، جوانان در میان اطرافیان خود افراد زیادی را می‌شناسند که در یافتن شغل با مشقت‌های زیادی روبرو شده و یا پس از مدتی فعالیت در یک شغل، بیکار می‌شوند.

بیکاری پیامدها و چالش‌های بسیاری را به‌مراه خود دارد. شبکه دوستان، خانواده و اطرافیان مرد جوان در شرایط بیکاری فرد را از ازدواج برحذر می‌کنند. افراد متأهل با تجربه‌ی بیکاری و مسائل و مشکلاتی که برایشان به وقوع پیوسته است افراد مجرد را به تأخیر در ازدواج ترغیب می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به میزان بالای بیکاری مردان جوان و اهمیت موضوع اشتغال در تشکیل خانواده و گذار به بزرگسالی در این پژوهش درصدد برآمدیم تا با استفاده از روش تحقیق ترکیبی به واکاوی پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج بپردازیم. در جامعه‌ی ایرانی اشتغال مردان پیش شرطی بسیار مهم برای ازدواج محسوب می‌شود. مرد به عنوان نان آور خانواده باید بتواند هزینه‌های یک زندگی متأهلانه را تأمین نماید. در این مطالعه تلاش شد تا در بخش کمی بر اساس نمونه دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ اثرگذاری وضعیت بیکاری بر تجردماندگی آزمون گردد. در بخش کیفی پژوهش نیز به دنبال فهم تجربه‌ی زیسته مردان جوان بیکار و تصمیماتشان برای تأخیر در ازدواج بودیم.

نتایج تحقیق به نوعی تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ صالحی اصفهانی و ایگل، ۲۰۰۷؛ ایگل و صالحی اصفهانی، ۲۰۱۰) بود و نشان داد که اشتغال نقش بسیار مهمی در میزان ازدواج جوانان (بویژه مردان) دارد. تصمیم به تأخیر در ازدواج در میان جوانان ایرانی در شرایط بازار کار نابسامان به تجارب جوانان

کشورهای ژاپن (هاشیموتو و کوندو، ۲۰۱۲)، اسپانیا (گونزالس و مارسن، ۲۰۱۵) و ایالت متحده آمریکا (اسکالر، ۲۰۱۳) شباهتهایی دارد. در ایران نسلی که در دوران باروری بالا (دهه اول انقلاب) به دنیا آمده‌اند حجم بالایی از جمعیت را شامل می‌شوند. اما در حال حاضر اقتصاد کشورمان توان جذب این حجم از نیروی جوان را ندارد و بیکاری قابل توجهی را در کشور رقم زده است. در این شرایط بنظر می‌رسد تصمیم به تأخیر مردان جوان برای ازدواج تصمیمی معقول و منطقی باشد. یافته‌های پژوهش در چارچوب نظریه منافع پنهان جاهودا (۱۹۸۴) قابل تبیین است. بر اساس این تئوری در شرایط بیکاری مردان جوان منافع نظیر منزلت، هویت مستقل از خانواده‌ی پدری و معرفی خود به عنوان فردی فعال را از دست می‌دهند. اگر چه با افزایش سن نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در میان مردان جوان تهرانی کاهش می‌یابد با این حال در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله حدود ۵۳ درصد افراد هرگز ازدواج نکرده‌اند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که با کنترل سایر متغیرهای مستقل، وضعیت بیکاری پیش‌بینی‌کننده قوی در تأخیر ازدواج است و احتمال تجردماندگی مردان جوان تهرانی در شرایط بیکاری حدود هفت برابر بیشتر از افرادی است که شاغل هستند.

نتایج بخش کیفی پژوهش نیز نشان می‌دهد که نان آور بودن مردان و تأثیر بالای بیکاری بر تجردماندگی با توقعات بالای خانواده‌ها در زمان ازدواج هم‌زمان شده است. ازدواج و برگزاری مراسم و رسومات با مصارف متظاهرانه و تقاضاهای مادی از سمت اطرافیان و خانواده دختر همراه است. این در حالی است که دست‌یابی به شغل یکی از مسائل مهم کشور محسوب می‌شود. اما همیشه دست‌یابی به شغل تمام مشکلات را مرتفع نمی‌کند. نتایج مطالعه کیفی نشان داد که جوانان به علت نامناسب بودن شغل‌های قبلی کار خود را ترک گفته و در زمان مصاحبه بیکار بوده‌اند. مشاغل کنونی غالباً قراردادی هستند و تعداد مشاغل مادام‌العمر نسبت به گذشته بسیار کم شده است و هر زمان که کارفرما احساس کند که نیازی به فرد ندارد او را از کار برکنار می‌کند. در شرایطی که عرضه نیروی کار نسبت به تقاضا در شرایط فزونی قرار دارد کارفرما

می‌تواند با دستمزد و مزایای پایین افراد را به کار گمارد. دستمزد پایین و هزینه‌های بالای زندگی مانعی برای تصمیم افراد برای ازدواج است.

علاوه بر اینها، بر اساس نظریه اجتناب از خطر (مکدونالد، ۲۰۰۶) بیکاری عدم قطعیت بالایی را نسبت به آینده برای جوانان ایجاد می‌کند. در این شرایط عقلانیت ابزاری به جوانان این امکان را می‌دهد که به نفع فردی خود (تأخیر در ازدواج) فکر کنند. در شرایطی که دستیابی به مشاغلی با درآمد مناسب نیازمند کسب مهارت و دانش است. مردان ترجیح می‌دهند که با تحصیل و فن‌آموزی در شرایط اقتصادی مناسب‌تری وارد مرحله‌ی تأهل شوند. چنانچه نتایج در بخش کمی هم نشان داد احتمال مجرد ماندگی مردان جوان تهرانی با تحصیلات دانشگاهی ۱۳ درصد بیشتر از افراد بی‌سواد است. آن‌ها با کسب مهارت و دستیابی به شغل مناسب می‌خواهند از خانواده‌ی پدری خود استقلال داشته باشند. مردان جوان در شرایط استقلال مالی می‌توانند با اختیار عمل بیشتر فردی که مورد نظرشان است را انتخاب کنند. این عقلانیت تنها مربوط به فرد نشده و خانواده‌ی دختر نیز به شرایط خواستگاری که موقعیت اقتصادی مناسب ندارد روی خوش نشان نمی‌دهند. از اینرو، بیکاری موقعیتی است که در آن عاملیت به حالت انفعال می‌رسد و برای فرد بیکار هویتی قائل نیستند و او را فردی وابسته و مصرف‌کننده می‌شناسند.

در پایان با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در حوزه‌های آموزش، بهداشت و بویژه اشتغال جوانان می‌تواند کشور را قادر سازد تا یک بنیان اقتصادی قوی و پایدار بسازد. توانمندسازی و افزایش ظرفیت‌های جوانان می‌تواند در طول زندگی فعال اقتصادی آنها بازده‌های بزرگتری را حاصل سازد. در مقابل، داشتن جوانان بیکار و با سبک زندگی ناسالم پیامدهای منفی متعددی به همراه خواهد داشت. جمعیت جوان فعال، شاغل و مولد می‌تواند عامل افزایش تولید و سرمایه کشور باشد. جمعیت جوان سالم و با نشاط به افزایش مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان منجر می‌شود. همچنین این وضعیت، امنیت اجتماعی و

اقتصادی و رفاه جمعیت را فراهم می‌سازد. مهمتر از آن، زمینه همکاری جوانان در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی فعالیت‌های توسعه‌ای تأثیر مستقیمی بر آینده زندگی‌های آنها داشته و به توسعه پایدار منجر خواهد شد. عدم تامین نیازمندی‌های توسعه‌ای جوانان نه تنها موجب از دست رفتن این سرمایه بالقوه می‌شود، بلکه عواقب و پیامدهای منفی و نامناسب اقتصادی، اجتماعی و امنیتی به دنبال خواهد داشت.

منابع

- ابراهیمی مقدم، مهدی. (۱۳۸۳)، «کاهش جمعیت بخش کشاورزی زیربنای توسعه اقتصادی»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۹ و ۵۰.
- باصری، بیژن؛ اسفندیار جهانگرد. (۱۳۸۶)، «بررسی و تحلیل ظرفیت اشتغال‌زایی بخش کشاورزی ایران»، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۵۹.
- بوریل، گیسون؛ گارت مورگان. (۱۳۸۳)، *نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان: عناصر جامعه‌شناختی حیات سازمانی*، ترجمه: محمد تقی نوروزی، تهران: انتشارات سمت.
- پتريک، فیتز. (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه*، ترجمه: هرمز همایون پور؛ انتشارات موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- عسکری ندوشن، فاطمه و عباس. (۱۳۹۱)، «پویایی ساختار سنی جمعیت و تغییرات ازدواج در ایران»، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، شماره ۱۳.
- سعیدی، علی اصغر. (۱۳۸۳)، «فرهنگ مصرفی: هواهای نفسانی جوانان و زنان در جامعه مصرفی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال هشتم، شماره نهم.
- سوری، علی؛ رضا کیهانی حکمت. (۱۳۸۴)، «بازارکار فارغ‌التحصیلان آموزش عالی»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۵۱ و ۵۲.

- شفیعی، فاطمه، حسین شعبانعلی. (۱۳۸۶)، «بررسی نگرش دانشجویان رشته‌های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*.
- صادقی، رسول؛ علی محمد قدسی؛ جواد افشارکهن. (۱۳۸۶)، «واکاوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل»، *فصلنامه پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)*، دوره پنجم، شماره ۱.
- صادقی، رسول؛ محمدجلال عباسی‌شوازی. (۱۳۹۴)، «تورم جوانی جمعیت: دلالت‌ها و الزامات سیاستی»، صص ۲۰-۱۳، در کتاب *مقالات سیاستی مسایل نوظهور جمعیتی در ایران*، صندوق جمعیت ملل متحد و دانشگاه تهران.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ رسول صادقی. (۱۳۸۴)، «قومیت و الگوی ازدواج در ایران»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره دوم، شماره یکم.
- کوششی، مجید. (۱۳۸۳)، «مناقشات در مورد تأخیر در ازدواج جوانان»، *مجله فرهنگ و پژوهش*، شماره ۱۶۹.
- بانک مرکزی. (۱۳۹۴)، *گزارش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری*، منتشر شده توسط بانک مرکزی ایران، <http://www.cbi.ir/page/13363.aspx>، رویت شده در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۱.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۳)، *نتایج آمارگیری نیروی کار*، مرکز آمار ایران، <http://amar.org.ir>، رویت شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵.
- گیدنز، آنتونی؛ کارن بردسال. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: چاپ اول، نی.
- محمودیان، حسین. (۱۳۸۳)، «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴.

مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج ... ۱۷۳

– مشفق، محمود؛ علی‌یار احمدی. (۱۳۸۶)، «مهاجرت کارگری، اشتغال در بازار کار غیررسمی و آسیب‌پذیری ناشی از آن»، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، شماره ۳.

– مؤمنی، احمد. (۱۳۷۵)، «اشتغال و توسعه منابع انسانی»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۱۸.

- Aamodt, P. O. (1995). "Floods, bottlenecks and backwaters: An analysis of expansion in higher education in Norway", *Higher Education* 30(1): 63-80.
- Breen, R. (2005). "Explaining cross-national variation in youth unemployment market and institutional factors", *European Sociological Review* 21(2): 125-134.
- Drewianka, S. (2008). "Household production and risk-aversion", *Working paper*, University of Wisconsin-Milwaukee.
- Dixon, R. B. (1971). "Explaining cross-cultural variations in age at marriage and proportions never marrying", *Population studies* 25(2): 215-233.
- Egel, D., and D. Salehi-Isfahani. (2010). "Youth transitions to employment and marriage in Iran: Evidence from the school to work transition survey", *Middle East Development Journal* 2(1): 89-120.
- Fryer, D. (1995). "Labor-market disadvantage, deprivation and mental-health-benefit agency", *The Psychologist* 8(6): 265-272.

- González-Val, R., and M. Marcén. (2015). "Regional unemployment, marriage, and divorce", *Working paper*, (No. 2015/38). Institut d'Economia de Barcelona (IEB).
- Halek, M., and J. G. Eisenhauer. (2001). "Demography of risk aversion", *Journal of Risk and Insurance* 68(1):1-24.
- Hashimoto, Y., and A.Kondo (2012). "Long-term effects of labor market conditions on family formation for Japanese youth", *Journal of the Japanese and International Economies* 26(1): 1-22.
- Jahoda, M. (1982). *Employment and unemployment: A social-psychological analysis*, University of Cambridge Press.
- Jahoda, M. (1984). "Social institutions and human needs: A comment on Fryer and Payne", *Leisure Studies*, 3, Pp. 297-299.
- Mare, R. D., and C.Winship. (1990). "Socioeconomic change and the decline of marriage for blacks and whites", *CDE Working Paper* No. 90-21, University of Wisconsin, Center for Demography and Ecology.
- McDonald, P. (2006). "Low fertility and the state: The efficacy of policy", *Population and Development Review*, 32(3): 485-510.
- McDonald, P., and A. Evans. (2002). "Family formation and risk aversion", Paper Presented at the *NLC Workshop*, 17-18 May 2002.
- McDonald, P. (1996). "Demographic life transitions: an alternative theoretical paradigm", *Health Transition Review* (6): 385-392.
- Mitrakos, T., P.Tsaklogou, & I.Cholezas. (2010). "Determinants of youth unemployment in Greece with an emphasis on tertiary education graduates", *Economic Bulletin*, 26,Pp. 21-62.

- Myatt, A., and D. Murrell. (1990). "The female/male unemployment rate differential", *Canadian Journal of Economics* 23(2): 312-322.
- Roberts, K. (2004). "School-to-work transitions: Why the United Kingdom's educational ladders always fail to connect", *International Studies in Sociology of Education* 14(3): 203-216.
- Salehi-Isfahani, D., and D.Egel. (2007). "Youth exclusion in Iran: The state of education, employment and family formation", *The Middle East Youth Initiative Working Paper*, (3).
- Salehi - Isfahani, D. (2011). "Iranian youth in times of economic crisis", *Iranian Studies*, 44(6): 789-806.
- Schaller, J. (2013). "For richer, if not for poorer? Marriage and divorce over the business cycle", *Journal of Population Economics*, 26(3): 1007-1033.